



نداشتن بنیان مرصوص، علت گرفتاری در ذایل اخلاقی است

آیت الله جوادی آملی گفت: خیلی‌ها که گرفتار ذایل اخلاقی‌اند برای این است که بنیان مرصوص و محکمی ندارند لذا با خرافات و شانس زندگی می‌کنند. کسی که موحد نباشد ناچار به خرافات تن می‌دهد.

آیت الله جوادی آملی گفت: خیلی‌ها که گرفتار ذایل اخلاقی‌اند برای این است که بنیان مرصوص و محکمی ندارند لذا با خرافات و شانس زندگی می‌کنند. کسی که موحد نباشد ناچار به خرافات تن می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری مهر، همانگونه که جسم انسان در معرض ابتلا به انواع بیماری‌ها قرار دارد، در امور اخلاقی نیز ممکن است انسان دچار بیماریهای مُزمنی گردد که راه درمان آن به مراتب از بیماریهای جسمی سخت تر و دشوارتر است چراکه ترک و درمان رذائل اخلاقی همتی بس بلند و عزمی فولادین می‌طلبد.

به تعبیر استاد برجسته اخلاق آیت الله جوادی آملی چنین شخصی در آزمایشات مربوط به جسم خود هیچگونه نقص و کمبودی را ملاحظه نمی‌کند چرا که بیماری‌های اخلاقی و قلب مریض را این نوع آزمایش‌ها تشخیص نمی‌دهد و فقط در آزمایشات الهی این قلب مریض شناسایی می‌گردد چنانکه خداوند می‌فرماید: فی قلوبهم مرض...

وی در یکی از آثار خود در بیان تفاوت و تشخیص این دو نوع بیماری مرقوم داشت: بیشتر بیماری‌های جسمی با درد همراه است و شخص مریض از بیماری خویش آگاه می‌شود؛ ولی بیماری‌های اخلاقی و روحی این گونه نیست و آگاه نبودن از مرض اخلاقی، خود بیماری دیگری است. رهبران الهی با زهی از منکر و یادآوری کیفر الهی، به عضو بیمار انسان فشار می‌آورند تا او از بیماری خویش آگاه شود و در درمان آن بکوشد؛ ولی بیماری که از یادآوری مرض خود می‌رنجد، طیب را دشمن خویش می‌پندارد و این رنجش نیز نوعی بیماری اخلاقی است؛ زیرا پزشک باید عضو دردمند را نشان دهد و در صورت لزوم، آن را قطع کند تا دیگر اعضا سالم بمانند.

وی در بیان یکی از دلایل ابتلای انسان به رذایل اخلاقی ابراز داشت: خیلی‌ها که گرفتار ذایل اخلاقی‌اند برای این است که بنیان مرصوص و محکمی ندارند لذا با خرافات و شانس زندگی می‌کنند؛ بخت و اتفاق زندگی می‌کنند و کسی که موحد نباشد ناچار به خرافات نظیر شانس و امثال شانس تن در می‌دهد. بنابراین فرمود: آن که ملحد است و عقیده ندارد زندگی‌اش و پا و پایه‌اش را روی لبه گذاشته که زیرش خالی است.

آیت الله جوادی آملی با اشاره به نمونه‌ای از بیماری‌های اخلاقی موجود در جامعه خاطر نشان کرد: آن مردی که نتواند خود را در برابر آهنگ نامحرم، رام کند، مریض است، چه اینکه آن زنی که نتواند خود را در برابر نامحرم بیوشاند، مریض است و این مرض با درس حجاب و عفت و درمان می‌شود. ذات اقدس اله به همسران حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: (یا نساء النبی لستنّ كأحدٍ من النساءِ إنّ اتّقیتنّ فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرضٌ و قلن قولا معروفاً). یعنی شما در سخن گفتن، صدای خود را نازک و رقیق نکنید؛ زیرا آن مردی که قلبش مریض است، طمع می‌کند. از این جا روشن می‌شود که مرض و ریشه‌اش در فرهنگ قرآن کریم، بسیار عمیق و ریشه‌دار است.

وی تصریح داشت: رذایل اخلاقی واقعاً آتش است و آتش، از خود سوزی شروع می‌کند و سپس دیگران را می‌سوزاند. قوه غضبی که رذایلی مانند حسد از شعب فرعی آنهاست ماده منفجره بی خاصیتی است. اصل قوه غضبیه را به منظور حمایت از دین و دفاع در برابر بیگانگان باید حفظ کرد؛ اما آن را در درون جان نباید جای داد. این که گفته‌اند سگ را به خانه راه ندهید؛ زیرا خانه‌ای که سگ در آن باشد، فرشته به آن در نمی‌آید، معنای ظاهری دارد که سگ آلوده است و در خانه‌ای که در آن سگ هست فرشته می‌آید؛ اما سگ‌ها وارد نمی‌شوند. سگ جای مشخصی دارد. سگ را در اتاق مخصوص و شخصی جا نمی‌دهند. به همان معیار هم گفته‌اند به خانه دلی که در آن سگ‌هایی مانند حرص، هوس و حسد باشد، فرشته فضیلت راه پیدا نمی‌کند.

منابع: کتاب «امام خمینی بنیان مرصوص»;، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی و جلسه درس اخلاق آیت الله جوادی آملی.